



Explanation of the Rule of “the Fall of Political Justice” in Case of Violation of Election Promises

Alborz Mohaghegh Garfami^{1*}

Fatemeh Ansari²

Abstract

One of the essential requirements of Islamic political jurisprudence is the necessity of adherence to justice in the realm of actions by government officials, as well as the formulation and definition of the necessary jurisprudential requirements in this field. The process of selecting these individuals is also an arena for the emergence of political behaviors of candidates and voters. This research, using an exploratory-analytical method and drawing from documentary sources, seeks to establish a rule that can evaluate the component of “political justice” for officials in the Islamic system. In this regard, a hadith from Imam Sadiq (AS) has been used as the basis for research, according to which failure to fulfill promises is introduced as a form of oppression and injustice. To achieve this goal, the concept of political justice and the arguments for the condition of justice for Muslim rulers are first explained. Then, the following reasons are used to prove the necessity of fulfilling electoral promises: 1) the absoluteness of evidence for fulfilling commitments (wafā’ bi’l-’ahd), 2) general guidelines on the necessity of trustworthiness (amānāh), 3) the principle of honesty-centeredness in Islamic political conduct, 4) teachings guiding ethical behavior, 5) disruption in the system of relations between the government and the people, 6) infringement on public rights, and 7) incompatibility of promise-breaking with the political competence required for officials. The outcome of this writing is that using these reasons, a rule can be established in the form of “isqāt al-adūlah bil-hinth ‘an al-wa’dah” (forfeiture of justice by breaking promises), which can be used to assess the level of justice of candidates for elective positions.

Keywords:

False Promises, Political Justice, Elections, Political Brokers.

Article Type: Research

1. Responsible Author, Master’s Degree in Quran and Hadith Sciences, Fourth level of the Seminary. Email: Mohaghegh.gr@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Qom, Qom, Iran. Email: Fa.ansar92@gmail.com

Received on: 09/07/2024

Accepted on: 18/02/2025

Copyright © 2025, Mohaghegh Garfami & Ansari

Publisher: Imam Khomeini International University.





تلفن: ۰۲۱-۲۸۹۵-۲۵۸۸
تلفن: ۰۲۱-۲۸۹۵-۲۵۸۸

مطالعات فقه حدیث



DOI: 10.30479/mfh.2025.20624.2391

تبیین قاعده «سقوط عدالت سیاسی» در صورت تخلف از وعده‌های انتخاباتی؛ با تکیه بر آموزه‌های حدیثی

البرز محقق‌گرمی^۱
فاطمه انصاری^۲

چکیده

یکی از بایسته‌های فقه سیاسی اسلام، لزوم پابندی به عدالت در سپهر کنش‌های کارگزاران و نیز تنظیم و تعریف بایسته‌های فقهی مورد نیاز در این عرصه است. فرایند انتخاب این افراد نیز، آوردگاهی برای بروز رفتارهای سیاسی داوطلبان و رأی‌دهندگان است. این پژوهش به روش اکتشافی-تحلیلی و با بهره‌از منابع اسنادی در پی دست‌یافتن به قاعده‌ای است که توان ارزیابی مؤلفه «عدالت سیاسی» کارگزاران نظام اسلامی را داشته باشد. در این راستا، حدیثی از امام صادق (ع) دست‌مایه پژوهش قرار گرفته که بر اساس مفاد آن، پابند نبودن به وعده‌ها، گونه‌ای از ظلم و عدالت‌سوزی معرفی شده است. برای دست‌یافتن به هدف پیش‌گفته، در گام نخست، مفهوم عدالت سیاسی و ادله اشتراط عدالت برای حاکمان مسلمان تبیین شده است. در گام پسین، از دلایل ذیل برای اثبات لزوم وفای به وعده‌های انتخاباتی بهره‌برده شده است: ۱- اطلاق ادله وفای به عهد، ۲- عمومات رهنمون بر لزوم امانت‌داری؛ ۳- اصل صداقت‌محوری در سلوک سیاسی اسلامی؛ ۴- آموزه‌های رهنمون بر اخلاق‌مداری؛ ۵- اختلال‌انگیزی در نظام روابط حاکمیت با مردم؛ ۶- تعدی به حقوق عامه و ۷- ناسازگاری تخلف از وعده با کفایت سیاسی مورد نیاز برای کارگزاران. دست‌آورد نوشتار آن است که با بهره‌از این دلایل می‌توان قاعده‌ای به شکل «إِسْقَاطُ الْعَدَالَةِ بِالْحَنْثِ عَنِ الْوَعْدَةِ» پیریزی نمود و از آن برای اعتبارسنجی میزان عدالت داوطلبان مسئولیت‌های انتخابی بهره‌برد.

کلیدواژه‌ها

وعده دروغ، عدالت سیاسی، انتخابات، منتخبان، کارگزاران.

نوع مقاله: پژوهشی

۱. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، سطح چهارم حوزه (نویسنده مسئول). Mohaghegh.gr@gmail.com

۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم، ایران.

Fa.ansar92@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۳۰



ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

۱. طرح مسأله

قرآن کریم، تحقق عدالت در شئون مختلف را یکی از دو هدف بنیادین بعثت پیامبران معرفی نموده است (ر.ک: الحديد: ۲۵؛ الشوری: ۱۵؛ النحل: ۹۰). اهمیت عدالت‌گرایی در همه عرصه‌های زیستی تا بدان جاست که قرآن مجید در آیاتی چون «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنَ قَوْمٍ عَلَىٰ اَلَّا تَعْدِلُوْا اَعْدِلُوْا هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوٰی» (المائدة: ۸)، در روش برخورد با ستمگران هم، عدالت را بایسته می‌داند. در احادیث نیز، عدالت، یکی از چهار رکن ایمان شمرده شده است (شعیری، بی‌تا، ۳۶). بنا بر گزارشی، رسول خدا (ص) حکم‌رانی بدون عدالت ورزی را مایه ملامت دیگران، ندامت درونی و عذاب آخرت دانسته‌اند (بزاز، ۱۴۳۰ق، ۷: ۱۸۸). در روایتی از امیرالمؤمنین علی (ع)، عدالت‌ورزی مایه برپایی نظام سالم مدیریت اسلامی بر شمرده شده است.^۱

وجود شرط عدالت به سبب نیاز به آن در بسیاری از ابواب عبادات، معاملات و ایقاعات آن را در شمار امور عام‌البلوی قرار داده است (انصاری، ۱۴۱۴ق، ۲۵). اهمیت عدالت‌محوری در نظام جمهوری اسلامی نیز تا بدان جاست که شهید مطهری حدود یک ماه پیش از شهادت بر این باور بود که فراموش شدن عدالت سبب شکست انقلاب خواهد شد (مطهری، ۱۳۸۶ش، ۹۴).

یکی از بایسته‌های پی‌ریزی جامعه‌ای عدالت‌محور، وجود فرآیندی عادلانه در گزینش افراد برای تصدی مسئولیت‌هاست. نیک هویداست که بزرگتر بودن این مسئولیت‌ها در حد ملی و بین‌المللی، توجه ویژه به این فرآیند را مهم‌تر می‌سازد. در عصر کنونی برای دست یافتن به چنین فرایندی، از اصول حقوقی به سبب الزام‌آفرین بودن آن‌ها، می‌توان بهره جست. از آن‌جا که یکی از راه‌های تصدی برخی مسئولیت‌ها، انتخابات است، بایسته می‌نماید که سنجه‌هایی عمومی برای داوطلبان و فرآیند انتخابات تعیین گردد. چراکه نظارت بر قدرت، در مهار آن، نقشی بنیادین دارد.

تعهدمندی به اخلاق در روند تبلیغات، یکی از شاخصه‌های رقابت سالم انتخاباتی است. یکی از جنبه‌های تبلیغ داوطلبان تصدی مسئولیت‌ها، وعده‌ها و برنامه‌هایی است که ارائه می‌کنند. نیک روشن است که بهره‌مندی از فضائل اخلاقی در بیان این برنامه‌ها و وعده‌ها بسیار اثرگذار است. سوگمندها، یکی از روش‌های پرکاربرد در عرصه سیاست، استفاده از سخنان نادرست، برای اغوای مردمان یا سرپوش نهادن بر واقعیت است. برخی از داوطلبان احراز منصب‌های حکومتی، برای جلب آراء عمومی، برنامه‌هایی را ارائه

۱. «لَا يَصْلُحُ الْحُكْمُ وَلَا الْحُدُودُ وَلَا الْجُمُعَةُ إِلَّا بِإِمَامٍ عَدْلٍ» (نوری، ۱۴۰۸ق، ۶: ۱۳).

می‌دهند که یا از اساس مطابق با واقع نیست و یا با توجه به شرائط گوناگون، تحقق‌پذیر نیست. از سوی دیگر، داوطلبان پایبند به اصول اخلاقی، از بیان وعده‌های دست‌نیافتنی پرهیز کرده و همین امر می‌تواند سبب پیشی گرفتن رقیبان وعده‌پرداز گردد.

اعتبارسنجی وعده‌های انتخاباتی و عیارپایی توان مدعیان آن‌ها در جهت تحقق این وعده‌ها، ضابطه آشکاری در عالم حقوق به خود ندیده است. محتمل است که نبود قانون مناسب در این زمینه به جهت منقح نشدن حکم و موضوع این بحث در گستره فقهات باشد. وجود نداشتن چنین سنجه‌هایی، موجب می‌شود تا برخی داوطلبان احراز مسئولیت‌های انتخابی، در ارائه برنامه‌ها و وعده‌های خویش، بی‌پروا باشند. هم‌چنین، در قوانین و آیین‌نامه‌های داخلی نیز، مجازاتی برای وعده‌های دروغین و ناستوار پیش‌بینی نشده است. این کاستی را می‌توان آسیبی در جهت عدم تحقق مقبولیت فراگیر حاکمیت به شمار آورد.

فرضیه پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی بر حدیثی از امام صادق (ع) قرار گرفته است که به موجب آن، یکی از نشانه‌های شناخت عدالت افراد، پایبندی آن‌ها به وعده‌ها است. کلینی به اسناد خویش این حدیث موثق را چنین نقل می‌نماید: «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ قَالَ: مَنْ عَامَلَ النَّاسَ فَلَمْ يَظْلِمُهُمْ وَ حَدَّثَهُمْ فَلَمْ يَكْذِبْهُمْ وَ وَعَدَهُمْ فَلَمْ يُخْلِفْهُمْ كَانَ مِنْ حُرَمَتِ غَيْبَتِهِ وَ كَمَلَتْ مُرُوءَتُهُ وَ ظَهَرَ عَدْلُهُ وَ وَجِبَتْ أُخُوَّتُهُ»^۱ (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۳: ۶۰۵).

۱. سند این روایت به شکل ذیل ارزیابی می‌شود:

الف- «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا»: در اسانید کتاب کافی، موارد فراوانی یافت می‌شود که با عبارت «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا» آغاز شده‌اند. مراد از این عبارت، مجموعه‌ای از مشایخ کلینی است که روایت را به نحو مستقیم از آن‌ها شنیده است. بنا بر نقل علامه حلی، هرگاه کلینی، روایت عِدَّة را از احمد بن محمد بن خالد برقی نقل کرده باشد، مراد از «عِدَّة»، افراد ذیل است: علی بن ابراهیم بن هاشم قمی، علی بن حسین سعدآبادی، علی بن محمد بن عبدالله بن اذینه و احمد بن عبدالله بن امیه (حلی، ۱۴۰۲ق، ۲۷۱). در میان این افراد، تنها علی بن ابراهیم و علی بن حسین، توثیق شده‌اند اما درباره وضعیت علی بن محمد و احمد بن عبدالله، اطلاعی در دست نیست (ر.ک: کنی‌تهرانی، ۱۴۲۱ق، ۱۱۶-۱۱۷). با این حال، نقل روایت از طریق این عِدَّة به دلایل ذیل سبب ایجاد وثاقت می‌گردد: ۱- وجود داشتن حداقل دو راوی ثقة در شمار مشایخ معلوم کلینی و ۲- بعید بودن تبانی مشایخ بر کذب (نمازی‌شاهرودی، ۱۴۲۲ق، ۲۰۸). ب- «احمد بن محمد بن خالد برقی»: وی از راویان کوفی الاصل است که رجال‌پژوهان او را با وصف ثقة یاد کرده‌اند (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۷۶؛ طوسی، ۱۴۲۰ق، ۵۱). در زمان حضور وی در قم، احمد بن محمد بن عیسی اشعری به او بدگمان شده و وی را از قم اخراج نمود. اما پس از چندی از او پوزش طلبیده و وی را به قم بازگرداند (ابن‌غضائری، ۱۴۲۲ق، ۳۹).

ج- «عثمان بن عیسی»: وی از وکیلان امام کاظم (ع) و دارای کتبی بوده است که پس از شهادت حضرت (ع)، از

راویان دیگری، همین حدیث را از طریق امام رضا (ع) به رسول خدا (ص) رسانده‌اند (ر.ک: صدوق، ۱۳۶۲ش، ۱: ۲۰۸). حدیث پژوهان این حدیث را بیانگر علامات مؤمن دانسته و شخص فاقد این صفات را برای اخوت دینی شایسته نمی‌دانند (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ۵: ۵۶۹؛ مازندرانی، ۱۳۸۲ش، ۹: ۱۶۶). برخی از فقیهان این حدیث را بیانگر راه‌های شناخت فرد عادل دانسته‌اند (بحرانی، ۱۳۶۳ش، ۲: ۱۷؛ کاشف‌الغطاء، ۱۳۸۱ش، ۲: ۲۲۴؛ شوشتری، ۱۳۶۴ش، ۶: ۳۷۶؛ بروجردی، ۱۴۲۶ق، ۸: ۶۶؛ خوانساری، ۱۳۷۸ق، ۶۴: ۱۴۲۹ق، ۲: ۴۳؛ حسینی حائری، ۱۴۲۳ق، ۱۳۹-۱۴۰؛ حکیم، ۱۴۲۸ق، ۱۵۴؛ سبحانی، ۱۴۳۲، ۵۰۳). بنا بر مفهوم روایت، عدالت به واسطه خُلف وعده ساقط خواهد شد. پس عمل به وعده واجب خواهد بود (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۹: ۲۷۳).

در پژوهش حاضر، باور این است که عدالت در قامت سنجه‌ای زیر بنایی برای انطباق احکام استنباط‌شده با اهداف شریعت، نقش آفرین است. اما هنوز این نیاز احساس می‌شود که کارکردهای فردی عدالت به عنوان ویژگی‌های رفتاری کارگزاران در عرصه فقه سیاسی نیازمند تبیین ژرف‌تری است. کسانی بر این باورند که یافتن حکم استدامه تصدی مقام رهبری و مدیریتی فردی که پس از انتخابات عمومی، بی‌عدالتی او آشکار شده است، از مسائل پیچیده دانش فقه است (منتظری، ۱۴۰۸ق، ۱: ۵۴۴). فرضیه پژوهش آن است که با تکیه بر آموزه‌های حدیثی، می‌توان حکمی فقهی برای اثبات ناروایی و حرمت تصدی مسئولیت‌ها پی‌ریزی نمود.

دامنه پژوهش، مواردی است که تصدی مشاغل و مسئولیت‌ها با انتخابات برگزار می‌شود. در این سپهر، بررسی میزان بهره‌مندی از عدالت برای گزینه‌های مختلف تصدی مسئولیت‌ها بایسته است. به نظر می‌رسد که یافتن اثرگذاری ویژگی عدالت بر تصدی مسئولیت‌هایی که با گزینش یا انتصاب سازمانی سامان می‌یابند نیز نیاز به پژوهشی مستقل دارد.

بزرگان واقفیه گردید (طوسی، ۱۳۷۳ش، ۳۶۰). بنا بر گزارشی وی پس از مدتی توبه نموده و اموال مربوط به وکالت را به امام رضا (ع) تسلیم نمود (حلی، ۱۳۴۲ق، ۴۷۶). افزون بر آن‌که واقفی بودن ملازمه تاقی با عدم وثاقت ندارد، هیچ‌یک از رجالیان نیز بر عدم وثاقت او در نقل حدیث مطلبی نگفته‌اند. از طرفی وثاقت وی با بهره از قرائن ذیل نیز قابل احراز است: قرار داشتن وی در شمار اصحاب اجکاع و روایت‌گری اجلابی چون صفوان بن یحیی و علی بن مهزیار از او (ن.ک: نمازی‌شاهرودی، ۱۴۲۲، ۲۸۰). د- «سماعه بن مهران»: وی از اصحاب امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) بوده و از وی با عبارت تجلیل‌آمیز «ثقة ثقة» یاد شده است (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۱۹۳؛ حلی، ۱۴۰۲ق، ۲۲۸). با توضیحات پیش‌گفته می‌توان دریافت که کمینه آن است که روایت پیش‌گفته، از نظر اصطلاحی، موثق ارزیابی می‌گردد. برخی از دانشوران حدیث پژوه نیز از سند روایت با عبارت «موثق کالصحيح» یاد نموده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ۱۲: ۲۳).

فقیهان از شرط بودن مؤلفه عدالت در ابوابی چون امامت جماعت برای نماز، وصیت، ارث و شهادت سخن گفته‌اند. برخی نیز نگاشته‌های مستقلی در این باره سامان داده‌اند. برای نمونه، محقق کرکی، ملاعلی قزوینی و سید تقی طباطبایی قمی، هریک رساله‌ای با عنوان «رساله فی العداله» نگاشته‌اند. در کتاب «العداله فی فقه اهل البیت (ع)» (۱۴۲۵ق) به قلم محمدعلی صالح المعلم نیز که تقریر مباحث آیه‌الله مسلم داوربست، به چهار مبحث تعریف عدالت، شرائط تحقق آن، توبه و احکام آن و راه‌های ثبوت عدالت پرداخته شده است. به نظر می‌رسد محتوای کلی و ترتیب مباحث این کتاب برگرفته از «رساله فی العداله» (۱۴۱۴ق) نگاشته شیخ انصاری باشد (ن.ک: انصاری، ۱۴۱۴ق، ۵-۶۵).

در کتاب «قواعد فقه سیاسی» (۱۳۸۷ش) به کوشش روح‌الله شریعتی به تبیین هفت قاعده عام مورد استناد در فقه سیاسی و بیست و نه قاعده ویژه فقه سیاسی در عرصه‌های سیاست، اجتماع، اقتصاد، امنیت و نظامی پرداخته شده است و در هر عرصه، پس از تبیین قاعده، به مفاد، ادله، گستره و کاربرد آن توجه شده است. از این منظر، پژوهشی ضابطه مند و در خور توجه است. نگارنده از قاعده وفای به عقود در قامت یکی از قواعد فقه سیاسی در عرصه اجتماعی به اختصار سخن گفته و تمرکز خود را بر اثبات لزوم تعهد در روابط اقتصادی قرار داده است (ر.ک: شریعتی، ۱۳۸۷ش، ۲۶۶-۲۶۹). محمد یعقوبی نیز در کتاب «نحو سیاست‌نظمی، تأسیلات فقهیه و اخلاقیه» (۱۴۳۴ق)، به تبیین برخی از اصول اسلامی برای کنش‌های سیاسی، نقش مرجعیت شیعه در این روند و نیز اصول اخلاق رفتارهای سیاسی پرداخته است اما سخن قابل توجهی را درباره رفتارهای داوطلبان احراز مسئولیت‌های سیاسی طرح نکرده است.

حسب جستجوی نگارنده، نوشتارهای ذیل در راستای بررسی عنصر عدالت در عرصه فقه سیاسی قابل ارزیابی هستند: سیداحمد حجت‌نژاد و حدیثه داودی در مقاله «الگوی تبلیغات انتخاباتی ایران در پرتو مؤلفه‌های تبلیغاتی انتخاباتی و شایسته» (۱۳۹۷ش) به بیان اصل صداقت داوطلبان در هنگام تبلیغات به عنوان یکی از اصول اخلاقی حاکم بر تبلیغات انتخاباتی توجه داشته‌اند. در مقاله «آسیب‌شناسی تبلیغات انتخاباتی مجلس شورای اسلامی در پرتو اصول حقوقی حاکم بر تبلیغات» (۱۳۹۳ش) به کوشش هاجر درستی به آسیب‌شناسی تبلیغات در سایه اصول حاکم بر کارگزاران انتخابات، داوطلبان و رأی‌دهندگان پرداخته شده است. در این مقاله با بررسی قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، این نتیجه حاصل شده که برخی از اصول لازم در فرآیند انتخابات مانند مشارکت، حمایت از نامزدها و صداقت در این قانون به خوبی مورد توجه قرار نگرفته است.

مقاله «مبانی فقهی حقوقی لزوم عمل به وعده‌های انتخاباتی و مقابله با وعده‌های دروغین» (۱۳۹۶ش) به کوشش محسن اسماعیلی و سیداحمد حبیب‌نژاد به موضوعات مهم ذیل توجه داشته است: ماهیت فقهی وعده‌های انتخاباتی، مبانی برخورد با وعده‌های دروغین در قانون اساسی، ضمانت اجرای حقوقی مقابله با این وعده‌ها و ضوابط اعمال این ضمانت‌های اجرایی. در این پژوهش ارزنده، دلایل لزوم وفای به عهد انتخاباتی، تنها عمومات ادله پایندی به عقود شمرده شده است. در تحقیق پایانی «مسئولیت مدنی کارگزاران سیاسی ناشی از وعده‌های انتخاباتی» (۱۴۰۱ش) نیز، این نتیجه به دست آمده که اگر کارگزاران سیاسی، با رفتار و گفتار خود، موجبات ضرر و زیان را به کلیت نظام یا افراد فراهم نمایند، مسئولیت دارند.

با وجود تمامی این تلاش‌های تحسین‌برانگیز، نوشتاری که به گونه‌ای مستقل در پی تبیین ادله لزوم وفای به وعده انتخاباتی برآمده باشد، یافت نمی‌شود. وجه نوآوری جستار حاضر در آن است که مسأله تخلف از وعده‌های انتخاباتی را به سان موضوعی فقهی - و نه صرفاً اخلاقی - نگریسته و با تکیه بر آموزه‌های حدیثی به دنبال پی‌ریزی قاعده‌ای فقهی در سپهر فقه سیاسی است.

۲. مفاهیم بنیادین

پیش از بررسی ادله رهنمون بر لزوم وفای به وعده انتخاباتی، مفاهیم پر بسامد نوشتار تبیین می‌گردد.

۱-۲. فقه سیاسی

بنا بر تعریفی، فقه سیاسی به شکل ذیل تبیین شده است: «مجموعه قواعد و اصول فقهی و حقوقی که عهده دار تنظیم روابط مسلمانان با خودشان و ملل دیگر جهان بر اساس مبانی قسط و عدل است که تحقق سعادت، آزادی و عدالت را تنها در پرتو توحید، عملی می‌داند» (شکوری، ۱۳۷۷ش، ۷۶). به نظر می‌رسد این تعریف، گونه‌ای از تعریف مفهوم با بیان کارکرد آن است. در تعریفی دیگر فقه سیاسی، علم به احکام فرعیه شرعیه در حوزه سیاست با بهره از ادله تفصیلی است» (مهدوی و کاظمی، ۱۳۹۹ش، ۱۰). از آن‌جا که عبارت «فقه سیاسی» ترکیبی اضافی است، تعریف اخیر را می‌توان در حوزه تبیین موضوع فقه سیاسی با تعریف اصطلاحی از دانش فقه سازگار دانست. در گذار تاریخ فقه از مفهوم فقه سیاسی با عناوینی چون «فقه الخلافه»، «فقه الحکومه»، «احکام سلطانیه» و «فقه الدوله» یاد شده است.

موضوع فقه سیاسی، احکام رفتارهای حکومتی یا رفتارهای عمومی است که اولاً و بالذات به حکومت بر می‌گردد (فلاح، ۱۳۹۷ ش، ۵۷).^۱ بر این اساس، برخی مسائل سنتی فقه سیاسی عبارتند از: جهاد، حربه، ولایت فقیه، امر به معروف و نهی از منکر، آداب خطبه‌ها، همکاری با حاکمان و قرارداد با سایر دولت‌ها (ن.ک: عمیدزنجانی، ۱۳۸۸ ش، ۱۱). برخی موضوعات نوپیدای فقه سیاسی نیز عبارتند از: میزان و تأثیر آرای مردم در مشروعیت حکومت؛ تفکیک و استقلال قوا؛ نظارت بر قدرت سیاسی و انتخابات. به نظر می‌رسد میان دو مفهوم «فقه حکومتی» و «فقه سیاسی» رابطه عامین من وجه برقرار باشد. چرا که فقه حکومتی نگره‌ای توسعه‌مدارانه به همه ابواب فقهی از نگاه حاکمیتی و تطابق با اهداف نظام‌هاست. اما فقه سیاسی، عرصه‌ای از فقه است که در آن تنها به موضوعات پیش گفته به عنوان باب فقهی مستقل نگریسته می‌شود. قواعد فقه سیاسی را نیز می‌توان به دو دسته ذیل تقسیم نمود: قواعد عام فقهی مورد بهره در فقه سیاسی و قواعد اختصاصی منحصر به فقه سیاسی. قواعدی چون تقدیم اهم بر مهم، اضطرار، قرعه و لا ضرر در عرصه قواعد عام قابل ارزیابی هستند و قواعدی چون نفی سبیل، عدم ولایت بر غیر و اولویت ولایت خاصه بر ولایت عامه در عرصه قواعد خاص فقه سیاسی به کار می‌روند.^۲ پی‌ریزی قواعد ویژه فقه سیاسی به استنباط دقیق‌تر احکام این حوزه کمک خواهد نمود. بایسته می‌نماید که مسئولان قانون‌گذاری کشورهای اسلامی با توجه به دستاوردهای فقهی مذاهب، بنیان‌های فقه سیاسی را در عرصه‌های گوناگون در چارچوب قوانین الزام‌آور، تدوین نمایند.

۲-۲. مفهوم‌شناسی عدالت

واژه عدالت در دانش لغت‌شناسی به معنای مساوات، انصاف، استقامت، میانه‌روی در کارها، بر پا نمودن، حکم‌کردن بر اساس حق و مخالف مفهوم ظلم و ستمگری آمده است (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ۳۸:۲؛ ابن‌درید، ۱۹۸۸ م، ۶۶۳:۲؛ ازهری، ۱۴۲۵ ق، ۱۲۳:۲؛ راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ۵۵۱). در زبان عربی، واژگانی چون قسط، انصاف و مساوات معنایی سازگار با واژه عدالت دارند. در نگاهی کلی، عدالت به این معناست که استعداد و شایستگی هیچ موجودی مهمل گذاشته نشود. برخی از دانشوران علم اخلاق، عدالت را به معنای پیروی کنش‌های آدمی از حکم خرد دانسته‌اند (نراقی، ۱۳۸۳ ش، ۱: ۵۴).

۱. این تعریف از گفتگوی مؤلف مقاله مورد اشاره با استاد مهدی مهریزی استخراج شده است.

۲. برای مطالعه بیشتر (ر.ک: شریعتی، ۱۳۸۷ ش، ۱۴۱-۱۵۰؛ ۲۱۲-۲۲۳؛ ۲۹۵-۲۹۹).

فقیهان، عدالت را ملکه نفسانیه‌ای می‌دانند که آدمی را به رعایت تقوی و مروت بر می‌انگیزاند (برای نمونه ر.ک: بحرانی، ۱۳۶۳ ش، ۱۰: ۱۳؛ نجفی، ۱۳۶۳ ش، ۱۳: ۲۶۴؛ شمس‌الدین، ۱۴۱۲ق، ۱۴۴). برخی نیز آن را تنها ملکه اتیان واجبات (یزدی، ۱۳۸۸ق، ۱: ۲۷۰). یا اجتناب از کبائر دانسته‌اند (انصاری، ۱۴۱۵ق، ۲: ۲۵۳). این دیدگاه وجود دارد که حُسن ظاهر فرد، در شناخت صفت عدالت شرعی برای وی کفایت می‌کند (طباطبایی کربلایی، ۱۴۲۸ق، ۱۵۷؛ قزوینی، ۱۴۱۹ق، ۹۴؛ حکیم، ۱۴۲۸ق، ۱۵۷).

از دیدگاه اسلام، بهره از صفت عدالت در تمامی رفتارهایی که به زیست اجتماعی انسان مربوط است، لحاظ شده است (مظاهری، ۱۳۸۶ ش، ۱: ۲۶۵). کارکرد عدالت در چهار حوزه، قابل ارزیابی است: ۱- عدالت دستگاه آفرینش؛ ۲- عدالت در قانون‌گذاری؛ ۳- عدالت در نظام اجرایی و ۴- عدالت بینشی و رفتاری در زندگی فردی. آنچه این نوشتار در پی ارزیابی آن است، عدالت در حوزه چهارم یعنی عدالت رفتاری است.

در فقه شیعه، گستره کارکرد عدالت در مواردی چون امامت جمعه و جماعت، شاهد طلاق، وصیت، قضاوت، مرجعیت و ولایت فقیه به چشم می‌خورد. با این حال، درباره لازم بودن این ویژگی برای تصدی منصب‌های مهم حاکمیت عام سیاسی، سخنی به میان نیامده است. به نظر می‌رسد یکی از عوامل مسکوت ماندن این بحث در فقه پر افتخار شیعی، توفیق نیافتن در دستیابی به تشکیل حکومت اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه باشد. بر این اساس، بایسته خواهد بود که میزان بهره‌مندی کارگزاران ارشد سیاسی از عنصر عدالت در قامت یکی از شروط لازم برای تصدی مسئولیت‌ها به سپهر مباحث فقهی وارد شود.

۲-۳. ادله اشتراط عدالت برای حاکم

از آیات ذیل برای اثبات اشتراط عدالت درباره رهبر جامعه اسلامی بهره برده شده است. بنگرید: «وَلَا تَرْتَكُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ» (هود: ۱۱۳)؛ «وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ» (الشعراء: ۱۵۱-۱۵۲)؛ «وَلَا تُطِيع مَنْ أَغْضَبْنَا قُلُوبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا» (الکهف: ۲۸) و «فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِيعْ مِنْهُمْ أَيْمًا أَوْ كُفُورًا» (الانسان: ۲۴). برخی از فقیهان از این آیات برای اثبات اشتراط عدالت درباره رهبر جامعه اسلامی بهره برده‌اند (موسوی خمینی، ۱۳۹۲ ش «ب»، ۴۸؛ منتظری، ۱۴۰۸ق، ۸۹: ۱؛ شیرازی، ۱۴۱۰ق، ۱۰۱: ۱۳۴؛ آصفی، ۱۴۲۶ق، ۲۵۶؛ مظاهری، ۱۳۸۶ ش، ۱: ۲۶۹؛ سیفی، ۱۳۸۶ ش، ۲۳۴). امام رضا (ع) نیز آیه «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ

إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (البقره: ۱۲۴) را بیانگر ناروا بودن حکومت هر شخصی می‌داند که به گونه‌های ظلم دچار است (صدوق، ۱۳۷۸ ش، ۱: ۲۱۷). پس، بنا بر مفاد آیه عهد الهی به ظالمان نمی‌رسد.

در روایات نیز به عنصر عدالت به عنوان یکی از بن‌مایه‌های شخصیتی حاکم اسلامی اشاره شده است (ن.ک: قمی، ۱۴۰۴ق، ۲: ۴۵؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۷: ۱۳۱). از دیگر سو، هر عملی که مخالف حق باشد، گونه‌ای از ظلم است و به حکم خرد، زمامداری ستمگران سبب سعادت دنیایی و دینی افراد نمی‌شود. چراکه افزون بر عدم مطابقت رفتارهای ستمگرانه با حق‌مداری، حقوق افراد با ستم کردن تضییع می‌گردد. بر همین اساس، برخی از فقیهان احراز مناصب حاکمیتی توسط افراد ظالم را امری ناسازگار با حکم خرد می‌دانند (موسوی‌خمینی، ۱۳۷۹ ش، ۲: ۶۶۲؛ مظاهری، ۱۳۸۶ ش، ۱: ۲۶۸).

افزون بر این ادله با بهره از قیاس اولویت نیز می‌توان، شرط بودن عدالت را برای احراز مسئولیت‌های مربوط به زمامداری به اثبات رساند. به این بیان که، عدالت برای اموری مانند امامت جماعت، در قامت شرط قرار گرفته است، پس با بهره از قیاس اولویت، در امور مهمتری چون رهبری جامعه اسلامی که حقوق توده‌های مردم بدان وابسته است نیز شرط خواهد بود. با توجه به این دلایل، فقیهان یکی از شرایط زمامداران مسلمان را عدالت دانسته شده است (ن.ک: سبحانی، ۱۴۳۱ق، ۲: ۲۴۷؛ منتظری، ۱۴۰۸ق، ۱: ۲۸۹؛ شیرازی، ۱۴۰۷ق، ۱۰۶: ۲۸۳؛ خیاط، ۱۴۲۵ق، ۱۶۰: ۱۶۰؛ آصفی، ۱۴۲۶ق، ۱۲۲: ۱۲۲؛ مظاهری، ۱۳۸۶ ش، ۱: ۲۶۸؛ سبحانی، ۱۴۳۱ق، ۲: ۲۴۷؛ ماوردی، ۱۴۲۰ق، ۳۱).

برخی به حق بر این باورند که شرط بودن عدالت در همه عرصه‌هایی لازم است که عمل یا گفتار شخصی، سبب اسقاط حق یا از دست رفتن چیزی از دیگران می‌شود (مراغی، ۱۴۱۷ق، ۲: ۷۲۶). بر اساس این تعریف، بهره‌مندی از عنصر عدالت، یکی از شروط داوطلبانی خواهد بود که برای تصدی مسئولیت‌ها از طریق انتخابات به دنبال جلب آراء هستند. چراکه تحصیل بسیاری از حقوق توده‌های مردم وابسته به میزان عدالت‌ورزی حاکمی است که از عنصر عدالت در رفتار و گفتار بهره می‌برد. سزایمند یادکرد است گستره مفهومی عنصر عدالت برای حاکم اسلامی، دامنه‌ای محدودتر از مفهوم شرطیت عدالت در ابوابی چون امامت جماعت، قضاوت، شهادت و افتاء دارد (بحرانی، ۱۳۶۳ ش، ۱۰: ۵۸). در این باره، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران بر این باور است که در عرصه حکومت، یک‌بار دروغ‌گویی یا نگاه به نامحرم سبب اسقاط عدالت از حاکم می‌گردد (موسوی‌خمینی، ۱۳۶۱ ش، ۱۱: ۱۳۳).

۳. ادله لزوم وفای به وعده‌های انتخاباتی

شماری از این دلایل، دلایل ایجابی اثبات التزام کارگزاران سیاسی بر عمل کردن به وعده‌های انتخاباتی است و شماری دیگر در قامت ادله سلبی و تبیین پیامدهای ناگوار عدم التزام به این اصل قابل ارزیابی هستند. به جهت آن‌که این دو دسته از ادله در مواردی هم‌پوشانی دارند، در ادامه، ذیل عنوان کلی ادله لزوم وفا به وعده‌های انتخاباتی تبیین شده‌اند.

۳-۱. اطلاق ادله وفای به عهد

آموزه‌های اسلامی بارها به اصل وفای به پیمان‌ها اشاره نموده‌اند. آیاتی از قرآن را بنگرید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»^۱ (المائدہ: ۱)؛ «الْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا» (البقرہ: ۱۷۷) و «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» (الاسراء: ۳۴).

در آیاتی نیز وفای به عهد، یکی از مصادیق پرهیزکاری دانسته شده است.^۲ قرآن پژوهان آیه نخست سوره مائدہ را رهنمون بر وفاء بر هرگونه عقد و عہدی می‌داند که قرآن نسبت به آن بسیار تأکید ورزیده است (برای نمونه ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ۵: ۱۵۹؛ صادقی‌تهرانی، ۱۴۰۶ق، ۸: ۱۳؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ۵: ۱۰). به دیگر سخن این آیه به رعایت اصل وفای به همه عہدها (صادقی‌تهرانی، ۱۳۹۳ق، ۱۶۴) و حرمت نقض عهد (همان، ۱۳۴) رهنمون است.

معصومان (ع) نیز در روایاتی، از شکستن پیمان‌ها به شدت زنہار داده و عہدشکنی را مساوی با بی‌دینی دانسته‌اند. بنگرید: «لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ» (ابن‌اشعث، بی‌تا، ۳۶)؛ «مَا أَتَقَنَ بِاللَّهِ مَنْ لَمْ يَزَعْ عَهْدَهُ وَ ذِمَّتَهُ» (لیثی‌واسطی، ۱۳۷۶ق، ۴۷۶). اهل بیت (ع) وعده‌هایی که داده‌اند را به سان دین خویش شمرده‌اند که ملزم به ادای آن هستند (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۷۲: ۹۷). در فرمایشی از امیرمؤمنان علی (ع) چنین آمده است: «إِنْ عَقَدْتَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ عَدُوِّكَ عَقْدَةً أَوْ أَلْبَسْتَهُ مِنْكَ ذِمَّةً فَحُطَّ عَنْكَ بِالْوَفَاءِ» (همان، ۹۷: ۴۷). در این روایت به پاس‌داشت پیمان‌ها و قول‌ها در برابر دشمنان نیز توصیه شده است. به طریق اولویت می‌توان فهمید که رعایت مفاد هر پیمانی از جمله وعده‌های کارزار انتخابات با افراد جامعه اسلامی، نیاز به پاس‌داشت بیشتری دارد. افزون بر وجود ادله لفظی، بنای عقلاء بر این است که پیمان‌ها را برای تحقق آن‌ها و لوازمشان منعقد می‌کنند نه برای فسخ آن‌ها.

۱. در برخی روایات تفسیری ذیل آیه عهد هم‌گونه‌ای از عقد شمرده شده است (ر.ک: قمی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۱۶۰).

۲. برای نمونه: «مَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ وَ اتَّقَى فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» (آل‌عمران: ۷۶).

بر این اساس، همگی فقیهان بر این باورند که عمل به شروطی که ضمن قراردادها تعهد می‌گردد، لازم است (برای نمونه ر.ک: طوسی، ۱۴۰۷ق، ۳: ۴۷۸؛ ابن‌زهره، ۱۴۱۷ق، ۱: ۲۱۵؛ نراقی، ۱۳۸۰ش، ۸۵؛ نجفی، ۱۳۶۳ش، ۲۳: ۱۹۹؛ خویی، ۱۴۱۸ق، ۳۸: ۱۱۱؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۹ش، ۵: ۳۲۳؛ صدر، ۱۴۳۲ق، ۱: ۱۴۶). وعده‌های انتخاباتی گونه‌ای از شروط هستند که رای‌دهندگان بواسطه امید به تحقق آن‌ها، شخص وعده‌دهنده را به عنوان مسئول تصدی موقعیتی برمی‌گزینند، اگر بنا بر عدم تحقق این وعده‌ها باشد، هرگز به این انتخاب تن نمی‌دهند.

این دیدگاه نیز وجود دارد که وعده‌های انتخاباتی به سان ایجاب مشروط هستند (اسماعیلی و حبیب‌نژاد، ۱۳۹۶ش، ۱۳۹). به این بیان که ماهیت انتخابات به مثابه قراردادی است که در حوزه حقوق عمومی قابل تعریف است. در این حالت، طرفین قرارداد عبارتند از: انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شونده. بر اساس این تعریف، وعده‌های انتخاباتی از سوی داوطلبان احراز مسئولیت، به سان ایجاب مشروط است که قبول رای‌دهندگان به آن وابسته است. به دیگر سخن، قبول ماهیت این قرارداد از سوی رای‌دهندگان، مبتنی بر پذیرش تعهد داوطلب بر اجرای وعده‌های خود است؛ به گونه‌ای که اگر این قید (وعده‌های انتخاباتی) بیان نمی‌شد، رای‌دهنده به داوطلب مورد نظر رای نمی‌داد.

۳-۲. عموماً رهنمون به ادای امانت

در آیاتی از قرآن مجید به اصل امانت‌داری و مسئولیت‌پذیری در مقابل تعهدات اشاره شده است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» (النساء: ۵۸)؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (الانفال: ۲۷). مفسران در باره آیه نخست بر این باورند که «ال» در «الامانات» رهنمون بر فراگیر بودن حکم ادای امانات در عرصه‌های گوناگون است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۴: ۳۷۸؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱ش، ۳: ۴۳۰؛ صادقی‌تهرانی، ۱۴۰۶ق، ۷: ۱۰۳؛ درویش، ۱۴۱۵ق، ۲: ۲۴۲؛ حوی، ۱۴۲۴ق، ۲: ۱۰۸۸).

در حدیث صحیحی از امام صادق (ع) نیز در مورد لزوم امانت‌داری با همگان چنین نقل شده است: «اتَّقُوا اللَّهَ، وَ عَلَيْكُمْ بِأَدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَىٰ مَنْ ائْتَمَنَكُمْ، وَلَوْ أَنَّ قَاتِلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ائْتَمَنَنِي عَلَىٰ أَمَانَةٍ، لَأَدَيْتُهَا إِلَيْهِ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۹: ۷۱۰). در حدیث دیگری نیز چنین آمده است: «لَا عُذْرَ لِأَحَدٍ فِيهَا: أَدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَىٰ الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ، وَالْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ إِلَىٰ الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ، وَبِرُّ الْوَالِدَيْنِ، بَرِّينَ كَانَا أَوْ فَاجِرَيْنِ» (همان، ۹: ۷۰۸).

توجه دادن به دو مفهوم امانت و عهد در این روایت نیز بیانگر تفاوت‌های ماهوی آن‌هاست. روایات ذیل نیز در همین راستا قابل بهره‌برداری هستند: «لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ» (ابن‌اشعث، بی‌تا، ۳۶)؛ «الْإِمَارَةُ أَمَانَةٌ، وَهِيَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ خِزْيٌ وَنَذَامَةٌ، إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِحَقٍّ، وَأَدَّى بِالْحَقِّ عَلَيْهِ فِيهَا» (حاکم‌نیشابوری، ۱۴۳۵ق، ۷: ۱۳۶). امام رضا (ع) نیز در پاسخ به پرسش مأمون که به دنبال فهمیدن نشانه‌های اسلام خالص بود، فرمودند: «... أَدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ» (صدوق، ۱۳۷۸ق، ۲: ۱۲۳).

از عمومات و اطلاقات این ادله لفظی چنین بر می‌آید که امانت‌داری در همه عرصه‌ها اصلی غیر قابل تخلف است. مسئولیت‌های اجتماعی و حکومتی نیز گونه‌ای از امانات شمرده می‌شوند. هم‌چنین، سیره عقلاء نیز، امین بودن حکومت در اموال، منافع، جان‌ها و نوامیس را کاملاً پذیرفته و آن را معیاری برای اعتبارسنجی توفیق حکومت‌ها می‌دانند. در نظریه قرار داد اجتماعی، قدرت سیاسی، امانتی از سوی مردم نزد حکومت شمرده می‌شود (طاهری، ۱۳۸۶ش، ۷۶).

به دیگر سخن، مردم با واسپاری حق حاکمیت خود به افراد منتخب، امانتی را بدان‌ها سپرده‌اند که لازم است کارگزاران برای حفظ آن، مسئولیت‌پذیر باشند. این واسپاری، گونه‌ای از امانت‌گذاری قدرت است که در صورت کژروی حاکمان، حق اعتراض و تغییر حکومت برای مردم محفوظ خواهد بود (ن.ک: عالم، ۱۳۷۷ش، ۲: ۲۸۳؛ ارژنگ و مطهری‌فرد، ۱۳۹۶ش، ۱۲).

افزون بر این موارد، وعده بافی‌هایی که تحقق نمی‌یابند را می‌توان یکی از مضادیق «غش» دانست. «غَشٌّ» در لغت به معنای فریب دادن، عمل کردن برخلاف باطن و بدخواهی بوده (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۴: ۳۴۰؛ ازهری، ۱۴۲۱ق، ۸: ۶؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۶ق، ۴: ۳۸۳) و «غَشٌّ» اسم مصدر آن است. غش نیز به سبب فریبکاری در اعتماد سوی قابل، با تخلف از ادای امانت همسو خواهد بود. در این باره، شیخ صدوق به اسناد خود از امام رضا (ع) چنین نقل می‌کند: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ غَشَّ مُسْلِمًا وَ لَيْسَ مِنَّا مَنْ خَانَ مُسْلِمًا» (صدوق، ۱۳۷۸ق، ۲: ۵۰). امام علی (ع)، زنده‌ترین گونه غش را فریب کاری حاکمان جامعه معرفی نموده است (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ق، ۱۹۰).

ایشان در نامه‌ای به مصقله‌بن‌هبیره چنین می‌نگارد: «فَإِنَّ مِنْ أَعْظَمِ الْخِيَانَةِ خِيَانَةَ الْأُمَّةِ وَ أَعْظَمُ الْغِشِّ عَلَى أَهْلِ الْمِصْرِ غِشُّ الْإِمَامِ» (نقفی، ۱۴۱۰ق، ۱: ۲۴۷). فریب دادن مردم توسط مدیر جامعه اسلامی پلیدترین نیرنگ شمرده شده، چرا که اختیار اموال، جان‌ها و آبروی افراد در اختیار اوست (جوادی‌آملی، ۱۳۶۳ش، ۳۱) و فریبکاری

او سبب آسیب به این سرمایه‌ها خواهد شد. یکی از مصادیق غش را می‌توان تخلف از وعده‌های انتخاباتی دانست.

در فقه امامیه نیز این دیدگاه وجود دارد که بن‌مایه حکمرانی اسلامی به باب امانت و ولایت در حقوق مشترک باز می‌گردد (نایینی، ۱۴۲۴ق، ۷۱). سزایمندی یادکرد است که وجود مراتب گوناگون حاکمیتی، سبب ایجاد تناسب میان میزان امانت‌داری با جایگاه مسئولیتی خواهد بود. به بیانی دیگر، تخلف از ادای امانات در برخی موارد، سبب ایجاد زیان بزرگتری به حقوق عامه خواهد شد. بالتبع این تخلفات دارای مجازاتی متناسب با خود خواهد بود. بر اساس همین ادله سمعی و عقلی، در اصل ۱۲۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رئیس قوه مجریه ملزم به نگاهبانی از قدرت و مسئولیتی دانسته شده است که ملت به عنوان امانت به او سپرده‌اند (مجموعه قانون اساسی - مدنی، ۱۳۷۵ش، ۹۹).

۳-۳. عموماً رهنمون بر صداقت‌مداری

قرآن کریم، در آیات فراوانی از بیان سخنان گزاف و دروغ زنه‌ار داده است (برای نمونه ر.ک: النحل: ۱۰۵؛ الحج: ۳۰؛ الاعراف: ۱۵۲؛ التوبه: ۱۱۹). برای نمونه در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ؛ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» (الصف: ۲-۳) از بیان سخنانی که انجام‌پذیر نیستند، نهی شده است. از اقتران صادقان و منافقان در آیه «لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا» (الاحزاب: ۲۴) نیز می‌توان فهمید که منافقان به جهت کذبشان در این آیه توبیخ شده‌اند (صادقی‌تهرانی، ۱۳۹۳ش، ۱۶۷).

در شماری از روایات نیز یکی از سنجه‌های آزمودن افراد، عنوان «صدق الحديث» معرفی شده است (ر.ک: برقی، ۱۳۷۱ش، ۱: ۱۸؛ کلینی، ۱۴۲۹ق، ۳: ۲۶۹؛ حرانی، ۱۴۰۴ق، ۴۸۷). برای نمونه، کلینی، از امام صادق (ع)، این‌گونه روایت می‌کند: «لَا تَغْتَرُّوا بِصَلَاتِهِمْ وَلَا بِصِيَامِهِمْ؛ فَإِنَّ الرَّجُلَ لَيُهْجَ بِالصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ حَتَّىٰ لَوْ تَرَكَهُ اسْتَوْحَشَ، وَلَكِنْ اخْتَبِرُوهُمْ عِنْدَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۳: ۲۶۹). بر اساس این روایت، یکی از ملاک‌های گزینش افراد را می‌توان راست گفتاری دانست. در روایت صحیحی، ابن‌ابی‌یعفور از امام صادق (ع) درباره راه‌کار شناخت عدالت افراد پرسش نمود. امام (ع) در پاسخ چنین فرمودند: «أَنْ تَعْرِفُوهُ بِالسَّتْرِ وَالْعَفَافِ وَكَفِّ الْبُطْنِ وَالْفَرْجِ وَالْيَدِ وَاللِّسَانِ» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ۳: ۳۸). مراد از مفهوم «ستر» در این روایت، نگهداشت حیاء و عفت در برابر خدا و مردم است که در مورد زبان با پرهیز

از گناهانی چون غیبت و دروغ گفتن محقق می‌شود (انصاری، ۱۴۱۴ق، ۱۵). در روایتی مرسل از امام صادق (ع) نقل شده که فرمودند: «دَلِيلُ الْعَاقِلِ شَيْئَانِ صِدْقُ الْقَوْلِ وَ صَوَابُ الْفِعْلِ وَالْعَاقِلُ لَا يَتَحَدَّثُ بِمَا يُنْكِرُهُ الْعَقْلُ وَلَا يَتَعَرَّضُ لِلتُّهْمَةِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱: ۱۳۰). فقیهان نیز یکی از عرصه‌های عدالت‌ورزی را حفظ زبان دانسته‌اند (مظاهری، ۱۳۸۶ش، ۱: ۲۶۸). تا جایی که مؤلفه حُسن ظاهر برای شناخت عدالت فرد، با ترک موارد ذیل دانسته می‌شود: ظلم، کذب و خلف وعده (سبحانی، ۱۴۳۲ق، ۴۹۲). از منظر فقه حکومتی نیز، مبنای سیاست اسلامی، صداقت‌ورزی و وفای به عهد است (منتظری، ۱۳۸۵ش، ۲۶).

از دیگر سو، در آموزه‌های اسلامی، دروغ یکی از گناهان کبیره شمرده شده است (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۰: ۲۲۹). ارتکاب گناهان کبیره نیز، نشانه‌ای برای اثبات عادل نبودن شخص است (برای نمونه ر.ک: نراقی، ۱۴۲۵ق، ۱۴۵؛ اصفهانی، ۱۴۲۳ق، ۲۹۲؛ موسوی خمینی، ۱۳۹۲ش «الف»، ۱: ۸؛ سبحانی، ۱۴۳۲ق، ۵۰۰). از این رو می‌توان دریافت که وعده‌های دروغین انتخاباتی به سبب اتصاف گوینده آن‌ها به عنوان «مرتکب کبیره»، سبب سقوط عدالت کارگزار مورد نظر خواهد شد.

نکته قابل توجه آن است که اگر داوطلبی، در روند انتخابات از دروغ بهره برد، ممکن است همین رویه را هنگام انجام مسئولیت نیز در پیش گرفته و از این طریق، ستم‌ستری بر اعتمادکنندگان به وی و تمامی افراد اثرپذیر از تصمیماتش وارد سازد. صداقت در گفتار و کردار داوطلبان، نقشی بنیادین در امیدآفرینی و ایجاد روحیه اعتماد در افراد و گروه‌های اجتماعی دارد و زمینه‌ساز انتخاب مبتنی بر حقیقت می‌گردد (گروه اخلاق و تربیت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷ق، ۸).

با بهره از اصل صداقت، می‌توان ضمانت‌های قانونی برای مقابله با وعده‌های دروغین انتخابات پیریزی نمود. آیه‌الله العظمی خامنه‌ای در قامت راهبر انقلاب اسلامی ایران در توصیه‌ای به مسئولان نیز چنین فرمودند: «از دادن آمارهای سست پرهیزند ... وعده‌هایی که معلوم است نمی‌توانند به آن‌ها عمل کنند به مردم ندهند» (پایگاه حفظ و نشر آثار حضرت آیه‌الله العظمی خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۲/۲۸).

۳-۴. آموزه‌های رهنمون بر اخلاق‌مداری و صداقت‌محوری

اخلاق، مجموعه‌ای از بن‌مایه‌هاست که پیروی از آن‌ها برای رسیدن به سعادت و کمال، بایسته است. این قواعد از وجدان و ندای فطرت سرچشمه می‌گیرند و سنجه‌ای برای

تشخیص نیک و ناروا شمرده می‌شوند. آیاتی از قرآن نیز، ریشه دریافتن بنیان نیکی‌ها و بدی‌ها را نهاده وجود آدمی معرفی نموده‌اند (الشمس: ۸؛ البلد: ۱۰).

هدف از دانش اخلاق، پسندیده کردن افعال ارادی انسان و سعادت و کمال جاودانه اوست. نهادها و آموزه‌های اخلاقی را از جهتی می‌توان به دوره فردی و اجتماعی تقسیم نمود. گستره کاربست اخلاق فردی، کنش‌های فردی شخص است که اثرگذاری آن‌ها در حوزه فردی بسیار پررنگ است. اما دامنه اخلاق اجتماعی به ارتباط فرد با دیگران مربوط است. یکی از بخش‌های اخلاق اجتماعی را اخلاق سیاسی می‌توان دانست که به ارتباط میان شهروندان و کارگزاران و نیز ارتباط میان کارگزاران می‌پردازد. در اخلاق سیاسی، بایسته‌ها و نبایسته‌های سلوک سیاسی و اصلاح رفتار تبیین می‌شود (شریعتی، ۱۳۸۲ش، ۱۳۳).

در دانش اخلاق، بنیان‌های فضائل انسانی عبارتند از: حکمت، شجاعت، عدالت و عفت. برخی از اندیشوران این حوزه، عدالت را همان شکوفایی سه عنصر حکمت، عفت و شجاعت دانسته‌اند (نراقی، ۱۳۸۳ش، ۱: ۵۴؛ حسنی، ۱۴۰۳ق، ۱۵۸). کمینه مقدار بنیان شجاعت نیز، جُبْن و سوی افراطی آن جربزه نامیده می‌شود. بی‌پروایی در وعده‌های انتخاباتی، گونه‌ای از تبلور جربزه است.

امام هشتم (ع) در سخنی نغز، کسانی را می‌شناساند که به ترک کردن لذت‌های دنیوی پرداخته‌اند تا آن را دست مایه‌ای برای رسیدن به ریاست‌های ظاهری قرار دهند (ن.ک: حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ۸: ۳۱۷). در سیاست‌ورزی‌هایی که بر مبانی اخلاقی استوار نیستند، استفاده از هر روشی برای رسیدن به هدف، موجه است. اما در اصول اسلامی‌کنش‌های سیاسی، پایبندی به اصول اخلاقی، روشی بنیادین شمرده شده و تخلف از آن، سبب خروج از روش اسلامی خواهد بود. در روش توجیه وسیله برای رسیدن به هدف، پایبندی به اصول اخلاقی چون راست‌گویی و راست‌کرداری، مایه ضعیف شدن شهروندان شمرده شده است (ماکیاولی، ۱۳۷۷ش، ۱۶۸-۱۶۹). یکی از باورمندان به این روش چنین می‌نگارد: «فرمانروای زیرک نباید به پیمانی که به ضرر اوست پایبند باشد و هیچ شهرداری نیست که عذری موجه برای عهد شکنی خود در آستین نداشته باشد» (همو، ۱۳۶۶ش، ۱۴۸).

در آموزه‌های اسلامی، مواردی چون بیان آرام، نیک رفتاری و فروتنی، برای تصدی مناصب حکومتی کافی دانسته نمی‌شود، چراکه این صفات قابلیت بروز نمایش‌گونه دارند به گونه‌ای که ممکن است فرد متصف به آن‌ها با انگیزه‌های مادی در پی کسب

ریاست باشد (حرام‌علی، ۱۴۰۹ق، ۸: ۳۱۷). در آموزه‌های فقه شیعی، بایسته است که حاکم اسلامی متصف به اخلاق حمیده و عاری از زشت‌کاری و زشت‌گویی باشد (حلی، ۱۴۱۹ق، ۹: ۳۹۴؛ مامقانی، بی‌تا، ۵۱؛ مرتضوی‌لنگرودی، ۱۴۱۲ق، ۱: ۴۲۷؛ عراقی، ۱۴۲۵ق، ۱۹۵)؛ چراکه بر مسندی قرار دارد که جایگاه معصومان و صالحان بوده است (ن.ک: بحرانی، ۱۳۶۳ش، ۱۰: ۵۸؛ آل‌کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۲ق، ۴: ۴۶۲). عهدشکنی نیز، ناشی از اراده برتری‌جویی و زینت‌یافتن در چشم عهدشکنان است و بدون شک چنین عملی حرام خواهد بود (مؤمن‌قمی، ۱۴۲۸ق، ۱: ۲۵۴).

درخور توجه است که شارع حکیم برای تحقق آموزه‌های اخلاقی به شکل حداقلی، بنیاد فقه و احکام را پایه‌ریزی کرده تا ضمانت اجرایی التزام به این آموزه‌ها تا حدودی تأمین شود. برخی به حق بر این باورند که پایبندی به وعده‌هایی که حاکم با مردم تعهد می‌نماید، بنا بر اصل اخلاقی و عقلایی پاسخ‌گو بودن وی، واجب است (منتظری، ۱۳۸۳ش، ۲: ۲۵۸).

۳-۵. اختلال انگیزی در نظام در صورت عمل نکردن به وعده‌ها

واژه نظام از ریشه نظم به معنای رشته متصل کننده مرواریدها، تجمیع، ملاک، به سامان کردن و تألیف چیزی با چیز دیگر آمده است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۸: ۱۶۵؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۶ق، ۵: ۴۴۳). در سخن فقیهان، نظام در دو معنا به کار رفته است: ۱) اساس اسلام و سرزمین‌های اسلامی (نایینی، ۱۴۲۴ق، ۷۶ و ۲)، حکومت سیاسی (ن.ک: موسوی‌خمینی، ۱۳۸۱ش، ۳: ۵۱۰). برخی نیز مراد از نظام را نظام متناسب با عصر و زمانه دانسته‌اند (ایروانی، بی‌تا، ۱: ۵۲).

تعبیر ذیل در سخن فقیهان، با مفهوم حفظ نظام هم‌سازند: «برآوردن حقوق مردم» (عراقی، بی‌تا، ۷) و «تأمین نیازهای مردم» (اصفهانی، ۱۴۰۹ق، ۲۱۱). برخی براین باورند که برپاداشتن نظام اجتماعی و زیستی نوع آدمی، از واجبات مطلقه‌ای است که به صورت کفایی بر عهده همگان است (محقق‌کرکی، ۱۴۱۴ق، ۴: ۶). در سوی مقابل، از مفهوم اختلال در نظام سخن گفته می‌شود. برای این مفهوم نیز تعبیر ذیل به کار رفته است: «فساد امور مردم» (لاری، ۱۳۱۸ق، ۲: ۱۵۷)؛ «هرج و مرج اجتماعی» (موسوی‌خمینی، ۱۳۷۹ش، ۲: ۶۲۰) و «اخلال در امور مسلمین» (همو، ۱۳۹۲ش، ۲: ۶۵۷). هر عملی که سبب ایجاد هرج و مرج شده و در نظام اجتماعی اخلال ایجاد کند، به حکم عقل ممنوع است (خمینی، ۱۳۷۶ش، ۱: ۴۷۵؛ مظاهری، ۱۳۸۶ش، ۱: ۳۲۴).

امام خمینی در دیدگاهی فراگیر بر این باور است که ضرورت بر این حکم می‌کند که هر کاری که مانع وارد آمدن ضرر به سرزمین اسلامی شود، واجب الاتیان است (موسوی خمینی، ۱۳۸۵ ش، ۲: ۱۹۱).

در تعریفی عمومی، مراد از نظام، ساختار فراگیری است که آدمیان با حفظ آن و نیز مطابق نمودن حرکات خود با آن به نیک فرجامی می‌رسند (ن.ک: علیدوست، ۱۳۸۸ ش، ۱۲۵). بر این اساس، انواع مقررات بشری به شرط سرچشمه گرفتن از حکم عقل و انطباق با مصالح عمومی، در راستای حفظ نظام بوده و نادیده انگاشتن آن‌ها سبب اختلال در نظام می‌گردد. مراد از حفظ نظام در این نوشتار، مفهوم عامی است که در راستای حفظ انسانیت، ساختارهای اجتماعی، دین اسلام و تمدن سرزمین‌های مسلمین به کار می‌رود. در دیدگاهی، انجام عملی که حفظ نظام بدان وابسته باشد از باب مقدمه واجب، واجب است و هم‌چنین، عملی که سبب اخلال در نظام شود، از باب مقدمه حرام، حرام است (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۷ ش، ۴۱۷). پایبند نبودن به وعده‌های انتخاباتی سبب سلب اعتماد عمومی توده‌های مردم به ملیت نظام خواهد شد. تا جاییکه وفای به عهدها، اصل بنیادین حفظ اجتماع است (مغنیه، ۱۴۲۶ ق، ۳: ۷). هم‌چنین خروج کارگزاران از مسیر عدالت و قسط، به مثابه خروج نظام از خصلت توحیدی و افتادن در گرداب شرک و کفر است (عمیدزنجانی، ۱۳۶۶ ش، ۲: ۲۸۹).

متعهد نبودن به پیمان‌ها در مواجهه با رأی‌دهندگان سبب ایجاد هرج و مرج در نظام سیاسی خواهد شد. این اختلال، زمانی زیان‌بارتر خواهد شد که داوطلبان تصدی مسئولیت‌ها، در دوره‌ای موفق به دریافت بیشینه آراء شده باشند، اما در دوران مسئولیت به وعده‌های خود عمل نکرده و دیگر بار، داوطلب تصدی آن مسئولیت گردند. بر این اساس می‌توان به این نتیجه رسید که رفتارهایی مانند وعده‌های بی‌پشتوانه انتخاباتی توسط کارگزاران مهم نظام اسلامی، سبب ایجاد اختلال در روند معیشت مردم بوده و این ناسازگاری سبب بروز پدیده‌هایی چون بی‌اعتمادی عموم نسبت به حکومت، ناکارآمدن نظام و ایجاد تشتت در نهادهای انتخابی خواهد شد. گسترده شدن این موارد در نهایت سبب بدبینی به نظام اسلامی و کارگزاران آن می‌گردد.

وجود انگیزه‌های گوناگونی در افراد می‌تواند آنان را علاقه‌مند به حضور در فرآیند رأی‌دهی نموده یا از آن دلسرد سازد. مؤلفه اعتماد سیاسی، عنصری اثر بخش بر میزان مشارکت سیاسی شهروندان است. یکی از عوامل بر هم‌زننده این اعتماد، وجود وعده‌های دروغین و عدم برخورد قضایی با کارگزارانی است که برای جلب آراء به بیان این وعده‌ها روی می‌آورند.

رہبر گران قدر انقلاب اسلامی نیز در رهنمودی چنین فرمودند: «رئیس جمہوری کہ میخواید این کشور بزرگ را اداره کند باید تہذیب اخلاقی داشتہ باشد؛ نپرداختن بہ حواشی ... تکیہ این بودہ است کہ برای مردم ہزینہ درست نکنند، مشکل درست نکنند، دغدغہ آفرینی نکنند، مردم را دچار تشویش و نگرانی نکنند؛ البتہ وعدہی بیخود و بی مبنا ہم ندهند، در باغ سبزیہای بی منطق ہم باز نکنند؛ منطقی، معقول، منطبق با واقعیت و با توکل بہ خدای متعال حرکت را پیش ببرند» (پایگاہ اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رہبری، سخنرانی در دیدار با کارگران و فعالان بخش تولید، ۱۳۹۲/۲/۷).

۳-۶. تعدی بہ حقوق عامہ

در تعریفی فراگیر، حقوق عامہ، حقوق اساسی آدمیان است کہ مواردی چون حقوق اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، رفاهی، اقتصادی و قضایی را در بر می گیرد (نقرہ کار، ۱۳۸۸ ش، ۲۶). برخی نیز آن را حقوق مشترک میان مردمان مانند حق عام بہرہ از معابر عمومی و فضاہای سبز دانستہ اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸ ش، ۳: ۱۷۳۰). در تعریفی دیگر، حق جامعہ بر نظم عمومی و امنیت شہروندان، از حقوق عامہ بر شمردہ شدہ است (ہادی، ۱۳۹۰ ش، ۱۳). در اصل یکصد و پنجاہ و ششم قانون اساسی نظام جمہوری اسلامی نیز، یکی از وظایف قوہ قضاییہ، احیای حقوق عامہ و گسترش عدل و آزادی ہای مشروع شمردہ شدہ است (مجموعہ قوانین اساسی - مدنی، ۱۳۷۵ ش، ۱۱۴).

گستردگی مصادیق حقوق عامہ در حوزہ حقوق بشر و حقوق ملت سبب می شود نتوان تعریف حدی و رسمی دقیقی برای این مفہوم بر شمرد. با این ہمہ مراد از حقوق عامہ در این جستار، حقوقی است کہ مربوط بہ منافع ہمگانی یا بخش قابل توجہی از جامعہ می شود کہ باید از طریق نہادہای حکمرانی استیفا گردد. وعدہای انتخاباتی بہ سبب جنبہ عمومی بودن آن ہا و اثرگذاری بر روند انتخابات و زندگی بخش قابل توجہی از جامعہ، بہ حقوق عامہ و مصالح آن ہا مرتبط است. از این رو بایستہ است ضوابطی فقہی و حقوقی پی ریزی شود تا خدشہ وارد نمودن بہ این حقوق، کیفر پذیر گردد. یکی از این ضوابط را می توان اسقاط عدالت کارگزاران در صورت تخلف از وعدہای انتخاباتی دانست.

از آن جایی کہ وعدہ انتخاباتی بہ حوزہ حقوق عمومی و فقہ اجتماعی مربوط است، عنوان تعہد اجتماعی بر آن صادق است. از طرفی این وعدہ ہا دارای آثار فراوانی در روش حکمرانی و زندگی افراد و گروہ ہا است. از این رو، تخلف از این وعدہ ہا، سبب ایجاد آسیب و تنش در عرصہ ہای پیش گفته خواہد شد.

تخلف از وعده‌های انتخاباتی با اصول ذیل از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز ناسازگار است: الف) اصل «۲» که بیانگر پایه‌های ایمانی قوانین است؛ ب) اصل «۳» که بیانگر ایجاد فضای مساعد برای رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی است و ج) اصل «۱۱۵» که بیانگر لزوم حفظ امانت‌داری و تقوا مداری است (ر.ک: مجموعه قوانین اساسی - مدنی، ۱۳۷۵ ش، ۳۷-۳۸ و ۹۶).

۷-۳. اسقاط کفایت سیاسی

بهره‌مندی از درایت، بینش و کفایت، یکی از شروط اداره‌کننده جامعه در نظر گرفته شده است (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ق، ۴۵۱؛ حلی، ۱۴۱۹ق، ۹: ۳۹۴؛ سبحانی، ۱۴۳۱ق، ۲: ۲۴۵؛ ماوردی، ۱۴۲۰ق، ۳۲). برخی، کفایت سیاسی را همان تحمل تبعات مسئولیت و حکمرانی دانسته‌اند (خیاط، ۱۴۲۵ق، ۱۶۱). این مفهوم در روایات در معنایی فراگیر با مفهوم «حُسن الولاية» یاد شده است. بنگرید: «مَنْ حَسُنَتْ سِيَاسَتُهُ وَجَبَتْ طَاعَتُهُ» (لثی واسطی، ۱۳۷۶ق، ۴۳۱). «لَا تَصْلُحُ الْإِمَامَةُ إِلَّا لِرَجُلٍ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ، وَحِلْمٌ يَمْلِكُ بِهِ غَضَبَهُ، وَحُسْنُ الْوَلَايَةِ عَلَى مَنْ يَلِي، حَتَّى يَكُونَ لَهُمْ كَالْوَالِدِ الرَّحِيمِ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۲: ۳۴۸).

در روایتی دیگر به اصل عمومی بصیرت‌ورزی اشاره شده است. برای نمونه، احمدبن محمد بن برقی در کتاب «المحاسن» به اسناد خویش از امام صادق (ع) چنین نقل می‌کند: «الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ طَرِيقٍ لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةُ السَّيْرِ إِلَّا بُعْدًا» (برقی، ۱۳۷۱ش، ۱: ۱۹۸). یکی از مصادیق برخوردار نبودن از بصیرت، بیان وعده‌هایی است که قابلیت تحقق آن‌ها دشوار بوده و دیرپاب به نظر می‌رسند. توجه نداشتن به پیامدهای عملی نشدن این وعده‌ها در سطح عمومی و آسیب‌های جدی آن‌ها، نشانگر بی بهره‌گی داوطلبان تصدی مناصب حکومتی از گوهر بصیرت است. نیک روشن است که صاحبان بصیرت و دوراندیشان، پیش از آغازیدن به کاری یا بیان وعده‌ای، به امکان تحقق آن می‌اندیشند.

در قوانین جمهوری اسلامی ایران نیز از عنصری با عنوان «کفایت سیاسی» برای رئیس جمهور نام برده شده است. این مفهوم به معنای کاردانی و کارایی (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی ج. ۱، ۱: ۱۱۲۷)؛ عدم کوتاهی و بی‌لیاقتی در انجام امور (مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی، بی‌تا، ۱۹) و کفایت اجرایی (مقدسین و گرچی ازندریانی، ۱۳۹۹ش، ۲۲) دانسته شده است.

در مجموع برای احراز کفایت سیاسی افراد، اتصاف آن‌ها به عوامل ذیل لازم است: شجاعت، مدیریت، تدبیر و توانمندی جسمی و روحی (ارسطا، بی‌تا، ۱۲). نیک روشن است کہ تخلف از وعده‌های انتخاباتی با دو ویژگی تدبیر و مدیریت ناسازگار است. از این رو می‌توان وعده سرایی‌های بی پروا و عدم تحقق آن‌ها در زمان مسئولیت را نشانه‌ای بر عدم کفایت سیاسی افراد دانست.

بر اساس آنچه گفته شد، می‌توان قاعده‌ای به شکل «إسقاط العَدَالَةِ السِّیَاسِیَہ بِالْحَنْثِ عَنِ الْوَعْدِ» پی‌ریزی نمود. در خور توجه است کہ داوری درباره جریان این قاعده بر عهده کارشناسان است. اما بایسته می‌نماید کہ داوطلبان احراز مسئولیت‌های کلان از راه انتخابات نیز در قامت یکی از مکلفین، به توانایی‌ها و وعده‌های خود نگریسته و از پذیرش مسئولیت‌هایی کہ توان انجام آن‌ها را در خور نمی‌بینند، انصراف دهند. هم‌چنین، بالا رفتن آگاهی‌های سیاسی و بینشی شهروندان، سبب می‌شود تا به جای توجه به وعده‌های پوچ به ارزیابی دقیق برنامه‌های داوطلبان بپردازند.

۴. نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه گفته شد، دستاوردهای نوشتار حاضر عبارتند از:

- ۱- عمومات و اطلاعات رهنمون بر وفای به عهد، صداقت‌مداری و ادای امانت، لزوم پابندی به وعده‌های انتخاباتی را به اثبات می‌رسانند.
- ۲- در رویکردی فقهی، این وعده‌ها را می‌توان به سان ایجاب مشروطی دانست کہ قبول رأی‌دهندگان در هنگامه انتخاب شخص، به تحقق وعده‌ها مشروط شده است. هم‌چنین واسپاری حق حاکمیت به منتخبان ملت، گونه‌ای امانت‌سپاری است کہ حفظ آن بر متصدیان لازم است.
- ۳- میزان امانت‌داری و نتایج حاصل از تعهد به امانت سیاسی، در سطوح گوناگون حکمرانی از رییس حکومت تا کارگزاران پایینی متفاوت بوده و تخلف از آن مجازاتی متناسب با پیامدهای ایجاد شده از تخلف از وعده‌ها دارد.
- ۴- پابندی به وعده‌هایی کہ حاکم با مردم تعهد می‌نماید، بنا بر اصل اخلاقی و عقلایی پاسخگو بودن وی، واجب است. هم‌چنین، بیان وعده‌های غیر قابل تحقق و تخلف از آن‌ها موجب ایجاد بی‌اعتمادی عمومی می‌گردد کہ خود، عاملی اختلال‌انگیز در نظام معیشت مردم و پایداری نظام اسلامی خواهد بود.
- ۵- دو مؤلفه برای احراز کفایت سیاسی افراد، بهره‌مندی از توان مدیریتی و تدبیر است.

تحقق‌ناپذیری وعده‌های انتخاباتی به سبب مخالفت با این دو مؤلفه، دست‌مایه‌ای برای پی‌بردن به عدم کفایت سیاسی متخلفان از وعده‌ها را فراهم می‌سازد.

۶- اسقاط عدالت کارگزاران سیاسی، جواز تخلف از فرامین ایشان در زمان تصدی را فراهم نمی‌آورد. چرا که حکم به تخلف از فرامین ایشان سبب ایجاد هرج و مرج اجتماعی می‌گردد.

کوتاه سخن آن‌که بر حسب آنچه گفته شد، کارگزاری که از طریق انتخابات و با ترسیم وعده‌هایی به تصدی مقامی، دست‌یافته و به وعده‌های خود در زمان کارگزاری عمل نکرده است، شایستگی فقهی و اخلاقی برای تصدی مسئولیت و بقاء در آن را نخواهد داشت.

دست‌رسی به داده‌ها

داده‌های تولیدشده در این پژوهش در متن مقاله ارائه شده است.

تضاد منافع نویسندگان

نویسندگان این مقاله اعلام می‌دارند که هیچ‌گونه تضاد منافی در رابطه با نویسندگی و یا انتشار این مقاله ندارند.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، تهران، نقش نگار، ۱۳۸۷ ش.
- آصفی، محمد مهدی، ولایه الامر، تهران، مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی، ۱۴۲۶ ق.
- آل‌کاشف‌الغطاء، محمد حسین، تحریر المجله، قم، مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی، ۱۴۲۲ ق.
- ابن‌اشعث، محمد بن محمد، الجعفریات (الأشعثیات)، تهران، مکتبه النینوی، بی‌تا.
- ابن‌درید، محمد بن حسن، جمهره اللغة، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۸۸ م.
- ابن‌زهره، سید حمزه بن علی، غنیه النزوع الی علمی الاصول و الفروع، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۱۷ ق.
- ابن‌سینا، عبدالله بن حسین، الشفاء (قسم الالهیات)، قم، کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
- ابن‌عاشور، محمد طاهر، التئویر و التحریر، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۰ ق.
- ابن‌غضائری، احمد بن حسین، الرجال، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۲ ق.
- ابن‌فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- ارژنگ، اردوان، و مرتضی مطهری فرد. "قاعده فقهی کل اماره امانه". حکومت اسلامی، ۲۲ (۱۳۹۶): ۴-۳۲.
- ارسطا، محمد جواد، جزوه مبانی قانونی حکومت اسلامی، بی‌جا، بی‌تا، بی‌نا.
- ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۵ ق.
- اسماعیلی، محمد، و احمد حبیب‌نژاد. "مبانی فقهی حقوقی لزوم عمل به وعده‌های انتخاباتی و مقابله با وعده‌های دروغین". مطالعات حقوق عمومی، ۴۷ (۱۳۹۶): ۱۰۵-۱۳۵.

- اصفهانى، سيدابوالحسن، وسيله النجاه (با تعليقات محمدتقى بهجت)، قم، شفق، ۱۴۲۳ق.
- اصفهانى، محمدحسين، الاجاره، قم، مؤسسه نشر اسلامى، ۱۴۰۹ق.
- انصارى، مرتضى، رسائل فقهيه، قم، المؤتمر العالمى بمناسبه الذكرى المئويه الثانيه لميلاد الشيه الانصارى، ۱۴۱۴ق.
- انصارى، مرتضى، كتاب الصلاه، قم، المؤتمر العالمى بمناسبه الذكرى المئويه الثانيه لميلاد الشيه الانصارى، ۱۴۱۵ق.
- ايروانى، على بن عبدالحسين، حاشيه المكاسب، بى جا، بى نا، بى تا.
- بحرانى، يوسف، الحدائق الناضره فى احكام العتره الطاهره، قم، مؤسسه نشر اسلامى، ۱۳۶۳ش.
- برقى، احمد بن محمد، المحاسن، قم، دار الكتب الاسلاميه، چاپ دوم، ۱۳۷۱ق.
- بروجردى، سيدحسين، تبيان الصلاه، تقريرات على صافى گلپايگانى، قم، گنج عرفان، ۱۴۲۶ق.
- بزاز، احمد بن عمر، مسند بزاز، مدينه منوره، مكتبه العلوم والحكم، ۱۴۳۰ق.
- پايگاه اطلاع رسانى دفتر معظم رهبرى به آدرس: <https://www.leader.ir/fa/timeline>
- پايگاه دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آيه الله العظمى خامنه اى به آدرس: <https://farsi.khamenei.ir/search>
- تميمي آمدى، عبد الواحد بن محمد، غرر الحكم و درر الكلم، قم، دارالكتاب الاسلامى، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
- ثقفى، ابراهيم بن محمد، الغارات (ط - القديمه)، قم، دارالكتاب الاسلامى، ۱۴۱۰ق.
- جعفرى لنگردوى، محمد مهدي، مبسوط در ترمينولوژى حقوق، تهران، كنج دانش، ۱۳۷۸ش.
- جوادى آملی، عبد الله، خمس رسائل، قم، اسلامى، ۱۳۶۳ش.
- حاکم نیشابورى محمد بن عبد الله، المستدرک على الصحيحين، قاهره، دارالتاصيل، ۱۴۳۵ق.
- حرانى، حسن بن على، تحف العقول، قم، جامعه مدرسين، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشيعه، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ق.
- حسنی، سيد على فضل الله، الاخلاق الاسلاميه، بيروت، دار الاحياء التراث العربى، ۱۴۰۳ق.
- حسينى حائرى، سيد كاظم، القضاء فى الفقه الاسلامى، قم، مجمع الفكر الاسلامى، ۱۴۲۳ق.
- حكيم، سيد محمد سعيد، مصباح المنهاج (الاجتهاد و التقليد)، نجف اشرف، مؤسسه الحكمه الثقافيه الاسلاميه، ۱۴۲۸ق.
- حلى، حسن بن على، الرجال، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ق.
- حلى، حسن بن يوسف، تذکره الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث، ۱۴۱۹ق.
- حلى، حسن بن يوسف، رجال العلامه الحلى، قم، الشريف الرضى، ۱۴۰۲ق.
- حوى، سعيد، الاساس فى التفسير، قاهره، دارالسلام، چاپ ششم، ۱۴۲۴ق.
- خمينى، سيد مصطفی، مستند تحرير الوسيله، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى (ره)، ۱۳۷۶ش.
- خوانسارى، ابوالفضل، الجوهر النضيد فى شرح فروع التقليد من كتاب العروه الوثقى، قم، مكتبه محمديه، ۱۳۷۸ق.
- خوبى، سيد ابوالقاسم، موسوعه الامام الخويى، قم، مؤسسه احياء آثار الامام الخويى، ۱۴۱۸ق.
- خياط، عبدالعزيز، النظام السياسى فى الاسلام (النظريه السياسيه، نظام الحكم)، قاهره، دارالسلام، چاپ دوم، ۱۴۲۵ق.
- درويش، محى الدين، اعراب القرآن الكريم و بيانه، حمص، الارشاد، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق.
- راغب اصفهانى، حسين بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بيروت، دارالعلم، ۱۴۱۲ق.
- روحانى، سيد محمد صادق، منهاج الفقاهه، قم، انوار الهدى، ۱۴۲۹ق.
- سبحانى، جعفر، احكام الصلاه الجماعه، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۳۲ق.
- سبحانى، جعفر، مفاهيم القرآن، بيروت، مؤسسه التاريخ العربى، ۱۴۳۱ق.
- سيفى، على اكبر، دليل تحرير الوسيله (ولايه الفقيه)، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى (س)، ۱۳۸۶ش.

شریعتی، روح‌الله. "اخلاق سیاسی و قواعد فقه سیاسی". علوم سیاسی دانشگاه باقر العلوم (ع)، ۲۳ (۱۳۸۲): ۱۳۱-۱۴۶.

- شریعتی، روح‌الله، قواعد فقه سیاسی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
- شعیری، محمدبن محمد، جامع الاختیار، نجف، مطبعه حیدریه، بی‌تا.
- شکوری، ابوالفضل، فقه سیاسی اسلام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ش.
- شمس‌الدین، محمدمهدی، نظام الحکم و الاداره فی الاسلام، قم، دارالثقافه، ۱۴۱۲ ق.
- شوشتری، محمدتقی، النجعه فی شرح اللمعه، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۶۴ ش.
- شیرازی، سیدمحمد، الفقه (کتاب السياسه)، بیروت، دارالعلوم، چاپ ششم، ۱۴۰۷ ق.
- صادقی‌تهرانی، محمد، اصول الاستنباط بین الکتاب و السنه، قم، شکرانه، ۱۳۹۳ ش.
- صادقی‌تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، قم، فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۶ ق.
- صدر، سیدمحمد، کتاب البیع، قم، محبین، ۱۴۳۲ ق.
- صدوق، محمدبن علی، الخصال، قم، جامعه مدرّسین، ۱۳۶۲ ش.
- صدوق، محمدبن علی، عیون اخبار الرضا (ع)، تهران، جهان، ۱۳۷۸ ق.
- صدوق، محمدبن علی، من لا یحضره الفقیه، تهران، اسلامیه، ۱۴۱۳ ق.
- طاهری، ابوالقاسم، اصول علم سیاست، تهران، دانشگاه پیام‌نور، ۱۳۸۶ ش.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
- طباطبایی‌کربلایی، سیدعلی بن محمدعلی، ریاض المسائل، قم، آل‌البیت (ع)، ۱۴۲۸ ق.
- طوسی، محمدبن حسن، الخلاف، قم، اسلامی، ۱۴۰۷ ق.
- طوسی، محمدبن حسن، رجال الطوسی، قم، اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
- طوسی، محمدبن حسن، فهرست کتب الشیعیه و اصولهم، قم، مکتبه المحقق الطباطبایی، ۱۴۲۰ ق.
- عالم، عبدالرحمن، تاریخ فلسفه سیاسی غرب، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۷ ش.
- عراقی، ضیاءالدین، شرح تبصره المتعلمین (کتاب القضاء)، قم، مهر، بی‌تا.
- عراقی، محسن، نظریه الحکم فی الاسلام، قم، مجمع فکر الاسلامی، ۱۴۲۵ ق.
- علیدوست، ابوالقاسم، فقه و مصلحت، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸ ش.
- عمید زنجانی، عباسعلی، بایسته‌های فقه سیاسی، تهران، مجد، ۱۳۸۸ ش.
- عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی اسلام، تهران، ۱۳۶۶ ش.
- فراهیدی، خلیل‌بن احمد، العین، قم، هجرت، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ق.
- فلاح، محمود، مطالعات فقه سیاسی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۷ ش.
- فیض‌کاشانی، محمدمحسن، الوافی، اصفهان، کتابخانه امیر المؤمنین امام علی (ع)، ۱۴۰۶ ق.
- قزوینی، علی‌بن اسماعیل، رساله فی العداله، قم، اسلامی، ۱۴۱۹ ق.
- قمی، علی‌بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم، دارالکتاب، چاپ سوم، ۱۴۰۴ ق.
- کاشف‌الغطاء، علی‌بن محمدرضا، النور الساطع فی الفقه النافع، نجف، مطبعه الآداب، ۱۳۸۱ ش.
- کلینی، محمدبن یعقوب، کافی، قم، دارالحديث، ۱۴۲۹ ق.
- کنی، علی، توضیح المقال فی علم الرجال، قم، دارالحديث، ۱۴۲۱ ق.
- گروه اخلاق و تربیت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، منشور اخلاقی انتخابات در جمهوری اسلامی ایران، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
- لاری، سیدعبدالحسین، التعلیق علی المکاسب، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۳۱۸ ق.
- لثی واسطی، علی‌بن محمد، عیون الحکم و المواعظ (للثی)، قم، دارالحديث، ۱۳۷۶ ش.
- مازندرانی، محمدصالح، شرح الکافی: الاصول و الروضه، تهران، اسلامیه، ۱۳۸۲ ق.
- ماکیاولی، نیکولا، شهریار، ترجمه: داریوش آشوری، تهران، پرواز، ۱۳۶۶ ش.

- ماکیاوالی، نیکولا، گفتارها، ترجمه: محمدحسن لطفی، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۷ش.
- مافقانی، محمد، نهاییه المقال فی تکمله غایه الآمال، قم، مجمع الذخائر الاسلامیه، بی تا.
- ماوردی، علی بن محمد، الاحکام السلطانیه، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۲۰ق.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
- مجلسی، محمدباقر، مرآة العقول، تهران، اسلامیه، ۱۴۰۴ق.
- مجلسی، محمدتقی، روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، قم، کوشانپور، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
- مجموعه قوانین اساس - مدنی، تهران، سمن، ۱۳۷۵ش.
- محقق کرکی، علی بن حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۱۴ق.
- مراغی، عبدالفتاح، العناوین الفقهیه، قم، جامعه اسلامی، ۱۴۱۷ق.
- مرتضوی لنگرودی، سیدمحمدحسن، الدرر النصید فی الاجتهاد و الاحتیاط و التقليد، قم، انصاریان، ۱۴۱۲ق.
- مطهری، مرتضی، آینده انقلاب اسلامی، تهران، صدرا، چاپ ۲۶، ۱۳۸۶ش.
- مظاهری، حسین، فقه الولایه و الحکومه الاسلامیه، قم، مؤسسه الزهراء الثقافیه الدراسیه، ۱۳۸۶ش.
- مغنیه، محمدجواد، تفسیر الکاشف، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۲۶ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، انوارالفقاهه، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۷۷ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، قم، دهم، اسلامیه، ۱۳۷۱ش.
- منتظری، حسینعلی، دراسات فی ولایه الفقیه، قم، مرکز العامی للدراسات الاسلامیه، ۱۴۰۸ق.
- منتظری، حسینعلی، رساله استفتانات، تهران، سایه، ۱۳۸۳ش.
- منتظری، حسینعلی، نظام الحکم فی الاسلام، قم، سرابی، ۱۳۸۵ش.
- موسوی خمینی، سیدروح الله، استفتانات، قم، اسلامی، ۱۳۸۱ش.
- موسوی خمینی، سیدروح الله، الرسائل، قم، اسماعیلیان، ۱۳۸۵ش.
- موسوی خمینی، سیدروح الله، تحریر الوسیله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۹۲ش. الف.
- موسوی خمینی، سیدروح الله، صحیفه نور، تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱ش.
- موسوی خمینی، سیدروح الله، کتاب البیع، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹ش.
- موسوی خمینی، سیدروح الله، ولایت فقیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۹۲ش. ب.
- مهدوی، اصغرآقا؛ سیدمحمدصادق کاظمی، کلیات فقه سیاسی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۹ش.
- مؤمن قمی، محمد، الولایه الهیه الاسلامیه، قم، اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۲۸ق.
- نایینی، محمدحسین، تنبیه الامه و تنزیه المله، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۲۴ق.
- نجاشی، احمدبن علی، رجال النجاشی، قم، اسلامی، ۱۳۶۵ش.
- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۳ش.
- نراقی، احمدبن محمد مهدی، مستند الشیعیه فی احکام الشریعه، قم، مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، ۱۴۲۵ق.
- نراقی، محمدبن احمد، مشارق الاحکام، قم، کنگره بزرگداشت محققان ملامهدی و ملااحمد نراقی، ۱۳۸۰ش.
- نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات، قم، اسماعیلیان، ۱۳۸۳ش.
- نقره کار، محمد صالح، نقش دادستان در صیانت از حقوق عامه، تهران، جنگل جاودانه، ۱۳۸۸ش.
- نمازی شاهرودی، علی، مسترفات المعالی، تهران، نباء، ۱۴۲۲ق.
- نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ق.
- هادی، دادیار، "نقش دادستان در حفظ حقوق عامه و چالش های قانونی در اجرای آن". رساله دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۹۰ش.
- یزدی، سیدمحمدکاظم، العروه الوثقی و التعليقات علیها، قم، مؤسسه السبطین، ۱۳۸۸ش.